

چهارشنبه ۱۴ / ۱۰ / ۱۴۰۱ جلسه ۵۹

موضوع: فقه شعائر / بررسی مصادیق شعائر / حیّ علی خیر العمل (بررسی روایت امامیه و عامه)

کلام ما در شعائر به این مطلب رسید که مصادیق شعائر چه چیزی است؟

و به جمله حی علی خیر العمل رسیدیم، در جلسه قبل نکاتی در مورد جریانات تاریخی این جمله مطرح کردیم و لانعید بتکرارها. حقیر خودم تحقیقاتم را در رابطه با این فقره انجام دادم و اخیراً دیدم کتابی از آیت الله سبحانی بنام الانصاف فی مسائل دام فیها الخلاف جلد اول صفحه ۱۲۵ این بحث است.^۱ کاملتر از این کتاب سید علی آقای شهرستانی است که در مشهد مسئول موسسه آل البیت هستند و یک جلد از کتاب ایشان در رابطه شرعیت و شعاریت حی علی خیر العمل است. شعار شیعه است؛ شیعه بر این جمله متحفظ بوده که این جمله باشد و اهل سنت تأکید بر عدم آن داشته اند. از امام علیه السلام سوال شده که معنای حی علی خیر العمل چیست؟^۲ حضرت می فرمایند: اما الظاهر که در رابطه با نماز است اما باطن آن یعنی حی علی الولاية و عرض خواهیم کرد که عمر که این جمله را از اذان حذف کرد بخاطر نگرانی از همین مطلب بود که کسی مراد باطنی حی علی خیر العمل را بفهمد و خواست این اثر را حذف کند.

ما نیز به تبع آیت الله سبحانی بحثی را در رابطه با تاریخ تشریع اذان در روایات اهل بیت و تسنن مطرح می کنیم. کی اذان تشریع شده، این تشریع به چه نحوی بوده است و کیفیت حذف حی علی خیر العمل را نیز مطرح خواهیم کرد و جنبه شعاریت آن را مشخص می کنیم.

تاریخچه اذان

اذان از امور عبادی و قربی است و باید لوجه الله باشد و اگر لوجه الله نباشد، عبادیت و قربیت آن مشخص نیست، مشرع اذان خداوند متعال است و آنچه از روایات اهل بیت علیهم السلام استفاده می شود این است که مشرع اذان خداوند متعال است، و حامل این تشریع امین وحی جبرئیل است، آخذ این تشریع نیز در مقام بیت المعمور در آسمان چهارم پیامبر خدا هستند؛ چون پیامبر اکرم وقتی به معراج رفتند (حضرت صد و بیست مرتبه به معراج رفتند) به آسمان چهارم رسیدند و جبرئیل اذان و اقامه گفت و حضرت نماز خواندند و تمام انبیاء الهی در نماز به پیامبر اقتداء کردند، و بعد از نماز هم انبیاء یا یکدیگر مصافحه کردند و آیت الله مستنبط در القطره مصافحه انبیاء را آورده اند و این مصافحه بین مردم، که در سابق اعمال دینی از علماء اخذ می شد، از این روایت نشأت می گیرد و بعداً در زمین به بلال فرمودند برو اذان بگو، پس آنچه که از روایات استفاده می شود این است که آورنده اذان در اولین مرتبه جبرئیل است.

روایت اول

۱. الانصاف فی مسائل دام فیها الخلاف، السبحانی، الشیخ جعفر، ج ۱، ص ۱۲۵.

۲. الأذان بین الأصالة والتحریر، شهرستانی، السید علی، ج ۱، ص ۲۹۵.

عَلَىٰ بَنِي إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ وَ الْفَضْلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: لَمَّا أُسْرِيَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَى السَّمَاءِ قَبِلَغَ الْبَيْتَ الْمَعْمُورَ وَ حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَأَذَّنَ جِبْرِيلُ وَ أَقَامَ فَتَقَدَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ صَفَّ الْمَلَائِكَةُ وَ النَّبِيُّونَ خَلْفَ مُحَمَّدٍ ص.^۱

اسری: سریان داده شدند و خودشان این سیر را نداشتند و سر سیر ایشان عبودیت بوده است، خداوند متعال چند شاخصه برای پیامبر خدا مطرح کردند؛ اشهد ان محمدا عبده و رسوله، عبد بوده اند، و یا در مورد پیغمبر فرمودند: فاوحی الی عبده ما اوحی، تعلیق الحکم علی الوصف مشعر بعلیته اگر آقا رسول الله لیاقت دریافت وحی را دارند چون عبد هستند، و از جمله قضیه معراجیه برای پیامبر صورت گرفته است

الإسراء

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾^۲

در معراج هم سریان عبد بوده است و مقام عظمت فقط بوسیله عبودیت می‌رسد.

روایت دوم

عَلَىٰ بَنِي إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَمَّا هَبَطَ جِبْرِيلُ ع بِالْأَذَانِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص كَانَ رَأْسُهُ فِي حَجَرٍ عَلَى عِ فَادَّنَ جِبْرِيلُ ع وَ أَقَامَ فَلَمَّا انْتَبَهَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَالَ يَا عَلِيُّ سَمِعْتَ قَالَ نَعَمْ قَالَ حَفِظْتَ قَالَ نَعَمْ قَالَ ادْعُ بِلَالًا فَعَلَّمَهُ قَدْ عَا عَلِيٌّ ع بِلَالًا فَعَلَّمَهُ.^۳

بار اول اذان در مقام بیت المعمور بر پیامبر نازل شده است، مقام بیت المعمور همان مقامی است که حضرت عیسی در آن حضور دارند، اگر خطی عمود از مقام بیت المعمور خطی به کره زمین بکشند، بر خانه کعبه واقع خواهد شد و پیامبر توقفی در مقام بیت المعمور داشتند و در ادامه به کان قاب قوسین او ادنی رسیدند که حتی جبریل هم مقامش به آن نرسید.

در روایت دوم اذان را جبریل در زمان نازل کرد و در آسمان چهارم اذان گفت، اصل تشریع در زمین بوده است، جبریل آمد در حالی که سر پیامبر در دامان امیر المومنین علیه السلام بوده و این حالت خاصی بوده است و پیامبر وقتی بیدار شدند فرمودند علی جان شنیدی ؟ و حفظ کردی؟ حضرت فرمودند بله و حضرت فرمودند بلال را صدا بزن و به او یاد بده.

عَلَىٰ بَنِي إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا تَرَوْنَ هَذِهِ النَّاصِبَةَ فَقُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ فِيمَا ذَا فَقَالَ فِي أَذَانِهِمْ وَ رُكُوعِهِمْ فَقُلْتُ إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ أَبِي بَنَ كَعْبٍ رَأَاهُ فِي النَّوْمِ فَقَالَ كَذَبُوا فَإِنَّ دِينَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَعَزُّ مِنْ أَنْ يُرَى فِي النَّوْمِ قَالَ فَقَالَ لَهُ سَدِيرُ الصِّيرَفِيِّ جَعَلْتُ فِدَاكَ فَأَحْدِثْ لَنَا مِنْ ذَلِكَ ذِكْرًا فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمَّا عَرَجَ بَنِيهِ ص إِلَى سَمَوَاتِهِ السَّعَةِ أَمَّا أُولَاهُنَّ فَبَارَكَ عَلَيْهِ وَ الثَّانِيَةَ عَلَّمَهُ فَرَضَهُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ مَحْمِلًا مِنْ نُورٍ فِيهِ أَرْبَعُونَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ النُّورِ كَانَتْ مُحَدِّقَةً

۱. الکافی - ط الاسلامیة، الشیخ الكلینی، ج ۳، ص ۳۰۲.

۲. سوره مبارکه اسراء آیه ۱

۳. الکافی - ط الاسلامیة، الشیخ الكلینی، ج ۳، ص ۳۰۲.

بِعَرْشِ اللَّهِ تَعْنَى أَبْصَارِ النَّاطِرِينَ أَمَّا وَاحِدٌ مِنْهَا فَأَصْفَرُ فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ أَصْفَرَتِ الصُّفْرَةُ وَوَاحِدٌ مِنْهَا أَحْمَرُ فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ أَحْمَرَتِ الْحُمْرَةُ وَوَاحِدٌ مِنْهَا أَبْيَضُ فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ أَبْيَضَ الْبَيَاضُ وَالْبَاقِي عَلَى سَائِرِ عَدَدِ الْخَلْقِ مِنَ النُّورِ وَالْأَلْوَانِ فِي ذَلِكَ الْمَحْمَلِ حَلَقٌ وَسَلْسِلٌ مِنْ فَضَّةٍ^۱

اهل سنت نیز اینگونه قائل هستند که اذان با خواب یک نفر بوده است و حضرت فرمودند: دروغ می‌گویند، دین خدا عزیز از این است که با خواب اثبات شود، خواب مؤید است ولی حجت نیست و حضرت در پاسخ سدید قضیه اذان را نقل می‌کنند

روایت چهارم

و عن ابن أبي عقيل أنه قال: أجمعت الشيعة على أن الصادق عليه السلام لعن قوماً زعموا أن النبي صلى الله عليه وآله أخذ الأذان عن عبد الله بن زيد

دعائم الإسلام عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جدّه، عن الحسين بن عليّ صلوات الله عليهم: «أنه سئل عن قول الناس في الأذان. إن السبب فيه رؤيا عبد الله بن زيد، فأخبر النبي صلى الله عليه وآله فأمّر بالأذان. فقال: «الوحي ينزل على نبيكم و تزعمون أنه أخذ الأذان عن عبد الله بن زيد؟! و الأذان وجه دينكم»^۲

این روایات شیعه و اهل سنت

روایت اول اهل سنت در مستدرک حاکم نیسابوری که این کتاب را نوشت که برخی از روایات به شرط مسلم و بخاری صحیحه بوده و نیامده است و ایشان آن‌ها را استدراک کرد.

وَحَدَّثَنِي نَصْرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَدْلِيُّ، ثنا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ الْحَافِظُ، ثنا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى الْبَجَلِيُّ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ الْبَلْخِيُّ، ثنا نُوحُ بْنُ دَرَّاجٍ، عَنِ الْأَجْلَحِ، عَنِ الْبَهِيِّ، عَنْ سُفْيَانَ بْنِ اللَّيْلِ، قَالَ: لَمَّا كَانَ مِنْ أَمْرِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَمُعَاوِيَةَ مَا كَانَ قَدِمْتُ عَلَيْهِ الْمَدِينَةَ وَهُوَ جَالِسٌ فِي أَصْحَابِهِ، - فَذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطَوْلِهِ - قَالَ: فَتَذَكَّرْنَا عِنْدَهُ الْأَذَانَ فَقَالَ بَعْضُنَا: إِنَّمَا كَانَ بَدْءُ الْأَذَانِ رُؤْيَا عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَاصِمٍ، فَقَالَ لَهُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ: «إِنَّ شَأْنَ الْأَذَانِ أَعْظَمُ مِنْ ذَاكَ، أَدْنَى جَبْرِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي السَّمَاءِ مَثْنَى مَثْنَى، وَعَلَّمَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَأَقَامَ مَرَّةً مَرَّةً فَعَلَّمَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَذَّنَ الْحَسَنُ حِينَ وَلِيَ^۳

در روایات شیعی اقامه را مثنی مثنی معرفی کرده است جز فصل اخیر آن را که یکبار گفته می‌شود

در کنز العمال آمده است که:

عن زيد بن علي عن آبائه عن علي أن رسول الله صلى الله عليه وسلم علم الأذان ليلة أسرى به وفرضت عليه الصلاة.^۴

۱. الكافي - ط الاسلاميه، الشيخ الكليني، ج ۳، ص ۴۸۳.

۲. حياه ابن أبي عقيل و فقهه، ابن أبي عقيل حذاء عمانی، ج ۱، ص ۱۷۸.

۳. المستدرک علی الصحیحین، الحاکم، أبو عبد الله، ج ۳، ص ۱۸۷.

۴. کنز العمال، المتقی الهندی، ج ۱۲، ص ۳۵۰.

ممکن است طبق این حدیث اذان را اول در بیت المعمور بدانیم سپس در زمین بدانیم.

و در معجم اوسط طبرانی می‌خوانیم که

حَدَّثَنَا النُّعْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ، ثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَاهَانَ، حَدَّثَنِي أَبِي، ثَنَا طَلْحَةُ بْنُ زَيْدٍ، عَنْ يُونُسَ بْنِ يَزِيدَ، عَنِ الزُّهْرِيِّ، عَنْ سَالِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا أُسْرِيَ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ أَوْحِيَ إِلَيْهِ بِالْأَذَانِ، فَنَزَلَ بِهِ، فَعَلَّمَهُ جِبْرِيلُ»^۱

لَمْ يَرَوْهُ هَذَا الْحَدِيثَ عَنِ الزُّهْرِيِّ إِلَّا يُونُسُ، وَلَا عَنْ يُونُسَ إِلَّا طَلْحَةُ بْنُ زَيْدٍ، تَفَرَّدَ بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ مَاهَانَ الْوَاسِطِيُّ

اما روایات فراوانی دارند که اذان در خواب دیده شده و چه کسی دیده تفاوت هایی دارند که خواهد آمد.

۱. المعجم الأوسط، الطبرانی، ج ۹، ص ۱۰۰.